



درخشش آفتاب

جلوه‌هایی از روش حکومت‌داری امام‌خامنه‌ای علیه‌السلام

فاطمه عرب

حضرت امام خامنه‌ای به تعبیر امام راحل عظیم‌الشان همچون خورشید روشنی‌بخش هستند. بیان جلوه‌هایی از منش و روش حکومت‌داری این خورشید فرزوان انقلاب می‌تواند برای همه مسؤولان، درس‌آموز باشد. در این نوشتار، بخش‌هایی از شیوه‌های حکومت‌داری ایشان را با استفاده از کتاب «در پرتو خورشید» و با حذف نام راویان این خاطرات، تقدیم حضورتان می‌کنیم.

اشاره

توجه ویژه به معنویت

هرگز مسؤولیت‌های بزرگ اجرایی، مانع عروج معنوی مقام معظم رهبری رهبری نیست. ایشان در اوج خدمت در جایگاه رهبری، از عبادت و توسل غافل نمی‌شوند. معظم‌له پیش از رهبری نیز در این پهنه سیر می‌کردند. فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، گاه مانعی بر سر راه مسائل معنوی و عبادی می‌شوند؛ اما در زندگی آیت‌الله خامنه‌ای، سیر در این عرصه نمود خاصی دارد. ایشان سوای از برنامه‌های معنوی روزانه و عبادت‌های شبانه، گهگاهی پا به حریم قدس رضوی می‌گذارند و نیمه شبی در جمکران به عشق امام زمان عجل‌تعالی می‌سوزند.

ساده‌زیستی

زندگی شخصی آقا از سادگی و سلامت خاصی برخوردار است. این سادگی به زندگی نزدیکان ایشان نیز سرایت کرده است. آقا و فرزندان‌شان اهل تجملات نیستند. همین اعتقاد، آنان را از سوءاستفاده از مقام و موقعیت باز داشته است. من این سادگی را در منزل ایشان به تماشا نشسته‌ام. روزی معظم‌له مرا به کتابخانه خود دعوت کردند، من در آنجا یک میز بسیار ساده و قدیمی دیدم. در کنار میز یک صندلی کهنه بود. هر دوی آن میز و صندلی، مربوط به قبل از پیروز انقلاب اسلامی بود. مقام معظم رهبری در کتابخانه ساده خود، هنوز از همان میز و صندلی استفاده می‌کنند.





رعایت حقوق همسایه ها

مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۴ به استان قم سفر کردند. محل استقرار ایشان، دفتر معظم‌له بود. طبعاً به خاطر حفاظت منطقه، رفت و آمدها کنترل می‌شد. محدودیت‌هایی در اطراف دفتر به وجود آمده بود. معظم‌له برای همین مسائل، برنامه‌ای با همسایه‌ها داشتند و در آن جلسه، از همه آنان به سبب محدودیت‌های پیش آمده و کنترل‌ها، عذرخواهی نمودند! کاش خانه آیت‌الله خامنه‌ای در کنار خانه ما بود. این، جمله‌ای بود که بعد از آن دیدار، بر زبان هزارها قمی جاری شد.

صمیمیت با مردم

وارد اتاق ملاقات مقام معظم رهبری شدم تا دیداری با مرادم تازه کنم. در گوشه اتاق نشسته و منتظر قدم مبارک آقا بودم. در همین هنگام پیرمردی روستایی با لباس‌های مندرس و سلواری کرباسی و کوتاه وارد شد و کنار من نشست و با لهجه خراسانی، گفت: حاج آقا کجاست؟ متوجه او نشدم. باز تکرار کرد. گفتم: مقام معظم رهبری را می‌گوی؟ گفت: بله! حاج آقا کی می‌آید؟ گفتم: همین جا بنشین، الان تشریف می‌آورند. انتظار به پایان رسید، مقام معظم رهبری وارد اتاق شدند. با ورود آقا به اتاق، پیرمرد سراسیمه به سوی آقا رفت، باب گفت و گو باز شد. یاد روزهای خراسان به خیر!

غرق در دیدار شده بودم. بزرگ‌ترین شخصیت انقلاب با یک روستایی ساده، چه صمیمانه می‌گوید و می‌شنود!

سوءاستفاده نکردن از موقعیت

در زمان ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان ماجرای را برای من تعریف کردند که بسیار شنیدنی و جالب است. معظم‌له فرمودند: روزی در دفتر کارم نشسته بودم. تلفن زنگ زد. مادرم پشت خط بود، گوشی را که برداشتم، با صدای خنده ایشان روبه‌رو شدم. علت را پرسیدم، مادرم گفت: چند روزی است که در خانه هیچ نداریم، پدرت هم پولی ندارد. این داستان برای من بسیار مهم بود؛ پدر و مادر رئیس جمهور کشور، پول و غذا ندارند. ماجرای مذکور نشان از ساده‌زیستی در خانه مقام ولایت دارد. ایشان در خانه بسیار ساده زندگی می‌کنند و هیچ فردی تا به حال نتوانسته از موقعیت معظم‌له سوءاستفاده کند. چه افتخاری برای ملت مهم‌تر از این که چنین شخصیت ارزشمندی رهبری آنان را به عهده دارد.

مقابله با آقا زادگی

یکی از مسؤولان نظامی، دستور تصرف مکانی را صادر کرده بود. گر چه حق با او بود؛ اما شیوه اقدام، قانونی نبود. سازمان قضایی نیروهای مسلح گزارش حادثه را تنظیم کرد و خدمت مقام

ایشان هرگز از توسل به اولیای خدا و عبادت‌هایی که باعث صفای قلب و روحانیت آدمی می‌شود، غافل نیستند.

معظم‌له نه تنها این حضور در درگاه ربوبی و عبادت‌های عارفانه را مانعی بر سر راه انجام وظایف خطیر رهبری نمی‌دانند، بلکه این عبادت‌ها را عاملی برای موفقیت در عرصه خدمت می‌شمرند که ما آن را فیض الاهی می‌دانیم.

چه شب‌هایی که جمکران، میزبان آقا بوده است و مردم نیز شاهد عبادت رهبر فرزانه خود بوده‌اند و چه ایامی که مقام معظم رهبری در عشق امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام سوخته‌اند و مریدان در حسرت حال مرادشان، از خداوند بزرگ درخواست چنین حضوری کرده‌اند.

تواضع و فروتنی

در همه دیدارها، تواضع ایشان را کاملاً احساس کرده‌ام. روزی برای تعیین مسؤلی برای نمایندگی ولی فقیه در سپاه، با معظم‌له صحبت کردم و نظر خود را نسبت به فردی که برای این مسؤولیت در نمایندگی انتخاب کرده بودم، گفتم. ایشان فرمودند: اگر از من نظر می‌خواهید، من مصلحت نمی‌دانم. علت آن را هم توضیح دادند. بعد، در زیر نامه - که برای همین موضوع تقدیمشان کرده بودیم - نوشتند: والامر الیکم!

من از این نوع برخورد، واقعا خجالت کشیدم و شرمند شدم. نمی‌دانستم در برابر این تواضع رهبری، چه بگویم. بنده به امر معظم‌له به سپاه پاسداران آمدم، حالا آقا می‌فرمایند: اگر نظر مرا می‌خواهی، نظر من این است، اما والامر الیکم!

در آن روز، من به ایشان گفتم: همه اختیارات دست شماست. شما امر بفرمایید و بنده انجام می‌دهم. یقیناً برای ایشان، پست رهبری جاذبه ندارد. ایشان در دیداری با خبرنگار فرمودند: روحیه من همان روحیه دوران طلبگی در قم است. واقعا همین گونه است؛ همان روحیه‌ای که معظم‌له در حجره مدرسه فیضیه داشتند، امروز هم من همان روحیه را در ایشان احساس می‌کنم. این را من با تمام وجود لمس کردم. ایشان اگر رهبری را پذیرفتند، فقط به عنوان وظیفه و احساس مسؤولیت بوده است.

انتقادپذیری

دختر هفده ساله‌ای از تهران به نام زینب نوری‌زاد، در نامه‌ای به مقام معظم رهبری می‌نویسد: روز مقدس قدس، مردی در میان خطبه‌ها بلند شد، مثل این که نامه‌ای داشت و شما به گمان من... او را در انتظار هزاران هزار، خرد کردید! وی در این نامه، از آیت‌الله خامنه‌ای می‌خواهد تا ذهن وی را در این خصوص روشن نمایند.

مقام معظم رهبری با تواضع، در پاسخ به آن دختر جوان می‌نویسد: دختر عزیزم! از تذکر شما خرسند و متشکرم و امیدوارم خداوند همه ما را ببخشد و از خطاهای کوچک و بزرگ ما که کم هم نیستند، درگذرد. من در باب آن چه شما یاد آوری کرده‌اید، هیچ دفاعی نمی‌کنم. و گاهی گوینده از تلخی لحن خود به قدر شنونده آگاه نمی‌شود و در این موارد همه باید از خداوند متعال بخواهند که آن گوینده را متوجه و اصلاح کند و اگر ممکن شود به او تذکر دهند. توفیق شما را از خداوند متعال مسألت می‌کنم.



روزی در منزل ایشان قند تمام شده بود. به معظم له عرض شد: آیا اجازه می‌دهید مقداری قند از دفتر برای منزل بیاوریم؟
مقام معظم رهبری فرمودند: قند دفتر مربوط به مراجعین است و ما باید از جای دیگری این قند را تهیه کنیم.
این دقت را تنها در زندگی بزرگان دین می‌توان یافت. این حرکت نشان از اوج عظمت و تقوای معظم له دارد.

خداوند کرده باشم. من به شدت و با تمام وجود، از خداوند می‌خواستم که برای این مسؤولیت روی دوش من قرار نگیرد. در عصر آن روز مجلس خبرگان اصلا به نظر من و قبول یا عدم قبول من، کاری نداشت. کار با آن کیفیت انجام شد. گرچه من از مصمم قلب دلوطلب این کار نبودم؛ لیکن وقتی دیدم که این مسؤولیت، شرعا و قانونا بر دوش من قرار گرفت، تصمیم گرفتم به تمام و کمال، به این وظیفه عمل کنم. این روش، نشان از عدم دنیاگرایی و قدرت‌طلبی آقا دارد؛ اما چون پای وظیفه پیش می‌آید، ایشان تسلیم عمل به وظیفه است.

رعایت بیت‌المال

یکی از مسؤولان دفتر معظم له نقل کرد: روزی در منزل ایشان قند تمام شده بود. به معظم له عرض شد: آیا اجازه می‌دهید مقداری قند از دفتر برای منزل بیاوریم؟
 مقام معظم رهبری فرمودند: قند دفتر مربوط به مراجعین است و ما باید از جای دیگری این قند را تهیه کنیم.
 این دقت را تنها در زندگی بزرگان دین می‌توان یافت. این حرکت نشان از اوج عظمت و تقوای معظم له دارد.

تدبیر و مدیریت

در بحران جنگ خلیج فارس - در سال ۱۳۶۹ - مقام معظم رهبری ابلاغ فرمودند واحدهای نظامی در منطقه جنوب و غرب گسترش پیدا کنند.

معظم رهبری ارسال نمود. ایشان در زیر آن گزارش، مرقوم فرمودند: با متخلف برخورد کنید، ولو پسر من باشد!

بی توجهی به دنیا

در زمان جنگ، همراه آیت‌الله خامنه ای برای بازدید از لشکر ۲۱ امام رضا علیه‌السلام جبهه شدیم. ایشان قبل از حرکت فرمودند: ماشین کم بیاورید! یکی یا دو ماشین کافی است! وقتی از اهواز خارج شدیم، دیدیم حدود ده ماشین دیگر پشت سر ماشین ما در حال حرکت هستند. آیت‌الله خامنه‌ای به راننده فرمودند: توقف کن! و بلافاصله به من گفتند: از ماشین دومی به بعد یا به اهواز برمی‌گردند و یا اگر قصد آمدن دارند، خودشان به تنهایی می‌آیند. چه دلیلی دارد که پشت سر من راه افتاده اند؟! اگر رئیس‌جمهور با یک کاروان ماشین حرکت کند، سرمشقی برای دیگران می‌شود. برای من یک یا دو ماشین کافی است!

زهد و تقوا

درباره حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه، بارها شنیده بودیم که معظم له یک قدم برای مرجعیت برنداشتند. امروز ما همان خصیصه را در شخص آیت‌الله خامنه‌ای می‌بینیم. ایشان هم یک قدم برای مرجعیت برنداشتند. با وجود اصرار فراوان مردم، هنوز مقام معظم رهبری از دادن رساله خودداری می‌کنند.

در روزهای آغازین رهبری ایشان - مرداد ۱۳۶۸ - که هنوز مراجع بزرگواری چون حضرات آیات خویی، گلپایگانی، مرعشی نجفی و اراکی در قید حیات بودند، یکی از افراد حاضر در جلسه، به مقام معظم رهبری گفت: برخی شما را به عنوان مرجع تقلید مطرح می‌کنند.

ایشان فرمودند: من مطلقا مطرح نیستم! همین بار رهبری که بر دوش من گذاشته شده است، را هم نمی‌خواستم؛ اما وقتی تکلیف شد، خددا بقوه، امیدوارم بتوانم همین بار سنگین را به مقصد برسانم. من دوست ندارم کسانی که منسوب به ما هستند، در این مسیر گامی بردارند! بعدها که شرایط به گونه‌ای دیگر شد و اصرارها فراوان شد، مقام معظم رهبری پذیرفتند که مرجعیت شیعیان خارج از کشور را بپذیرند؛ ولی در رابطه با داخل فرمودند: مراجع بزرگوار دیگری هستند.

عمل به وظیفه

یکی - دو ماه پس از انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری، بنده به دیدار ایشان رفتم. قبل از شروع به جلسه کاری، به معظم له گفتم: چطور شد که چنین وضعی پیش آمد؟! می‌خواستم قدری داستان رهبری را از زبان خود ایشان بشنوم.

مقام معظم رهبری فرمودند: فالانی! آن روزی که مجلس خبرگان درباره جانشین امام رحمت‌الله علیه بحث می‌کرد، من هیچ فکری نسبت به خودم نداشتیم و اصلا تصور نمی‌کردم که خبرگان چنین تصمیمی بگیرند. نیمه اول اجلاس - صبح تا ظهر - به من این طور فهماند که ممکن است اسم بنده مطرح شود. من ظهر به منزل آمدم، دور رکعت نماز خواندم و با حالت استغاثه و ناله و زاری، از خداوند درخواست کردم که این مسؤولیت را روی دوش من قرار ندهد!

من کم‌تر به یاد دارم که برای تقاضایی چنین استغاثه و تضرعی به درگاه



نظارت دقیق بر امور

مقام معظم رهبری نظارت دقیق بر جامعه دارند، دشمنان داخلی و خارجی را به خوبی می‌شناسند، و بموقع و به‌طور شایسته، به هدایت مردم می‌پردازند.

معظم‌له بر ارگان‌های دولتی و اوضاع و احوال کشور، از راه‌های گوناگون نظارت دارند و در موارد مختلف، با تذکرات و دستورهای خود، تا آن‌جا که امکان دارد، مشکلات را برطرف می‌نمایند؛ حتی در مواردی به مسائل جزئی نیز نظارت دارند.

ایشان در یکی از گفتارهای خود، فرمودند: یکی از مسؤولان را من در جایی، در محضری دیدم که برخوردش با مردم قدری متکبرانه بود. من به ایشان پیغام دادم. گفتم به ایشان بگویید اگر می‌خواهد جبران آن برخورد را نماید؛ باید مثل همان جایی ظاهر شود - و به آن شخص تحقیر شده - بگوید: بابا! من نوکر شما هستم!! یک مسؤول کشور چه کاره است؟! ما چه هستیم؟ فلسفه وجودی ما چیست؟ غیر از خدمت به مردم؟! ما باید از چنین رهبری قدردانی کنیم. چقدر برخورد ایشان دلسوزانه و مردمی است. همین رفتارها ایشان را در دل مردم جای داده است.

نظم و انضباط

نظم و انضباط مقام معظم رهبری زیانزد خاص و عام است. ایشان یک فرد منظم و مرتب می‌باشند و در صحبت‌ها و سخنرانی‌های خود در جمع نیروهای مسلح، همواره همه را دعوت به نظم می‌کنند.

گاهی که برخی بی‌نظمی‌ها را می‌بینند، به شدت ناراحت می‌شوند و می‌فرمایند: بی‌نظمی نباید در نیروهای نظامی باشد. رفت‌وآمدها، حضور در سر کار و وضع ظاهری نیروهای مسلح باید مرتب باشد.

بارها در جلساتی که با نظامیان داشته‌اند، تأکید زیادی روی نظم و انضباط نموده‌اند. رژه نیروهای نظامی را که کاملاً کنترل می‌کنند و گاه کوچک‌ترین و جزئی‌ترین حرکات نیروها را به فرماندهان آنان گوشزد می‌نمایند.

این دقت و توجه به مسائل از سوی فرماندهی معظم کل قوا، الگویی برای همه فرماندهان نظامی است.

احترام به قانون

هنگام غبارروبی مرقد مطهر حضرت امام رضا علیه‌السلام، خدام حرم دستمال‌های سفید آغشته به گلاب ناب را برای غبارروبی به افراد می‌دهند.

مقام معظم رهبری، تولیت آستان قدس رضوی را به آقای واعظ طیبسی سپرده بودند؛ ولی با این حال، برای برداشتن پارچه متبرک به غبار ضریح امام رضا علیه‌السلام از او اجازه می‌گیرند!

احترام مقام معظم رهبری به قانون برای همه ما درس است. ایشان پس از کسب اجازه از آقای واعظ طیبسی، در حالی که چشم‌هایشان پر از اشک بود و به راز و نیاز مشغول بودند، با دقت، دستمال را تا کردند و در جیب خود گذاشتند. برای ما خیلی زیبا بود که آقا در آن حال این همه توجه دارند که دستمال متبرک را تا کنند و با نظم کامل در جیب خود قرار دهند.

ما جزو واحدهایی بودیم که در منطقه جنوب، حوالی پادگان حمید اردو زده بودیم. این حرکت در پی همان فرمان بود؛ فرمانی که در آن آورده بودند: به هیچ وجه نباید پذیرفت که کسی حتی به اندازه یک وجب، به خاک ما تجاوز کند.

این دستور قاطع فرماندهی کل قوا، همه ما را هم مصمم کرده بود که کوچک‌ترین رخنه و نفوذ را نپذیریم. ما هر آن‌چه در توان داشتیم، به میدان آوردیم و آماده مقابله احتمالی با دشمن شدیم.

امریکایی‌ها تصمیم داشتند با تصویب مصوبه‌ای در کنگره خود، از خاک جمهوری اسلامی ایران برای حمله به عراق استفاده کنند. تدبیر فرمانده معظم کل قوا و در پی آن، حضور گسترده نیروها در مناطق غرب و جنوب، امریکایی‌ها را از تصمیمشان بازداشت.



قاطعیت

جمع بین انعطاف و قاطعیت، از خصوصیات رهبری دینی است. جامعه اسلامی در یک زمان به قاطعیت رهبر نیاز دارد و زمانی نیز رهبری جامعه باید با انعطاف، مسائلی را حل و فصل کند.

تشخیص چگونگی برخورد در هر زمان، کار رهبری جامعه دینی است. این کار، کار بسیار دشواری است. در زمان حاضر، لایق‌ترین شخص برای تصدی این مسؤولیت و بهترین فرد برای رهبری - که توانایی جمع بین انعطاف و قاطعیت را داشته باشد - آیت‌الله خامنه‌ای هستند.

بعد از رحلت حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه مستکبران جهانی برای لغو حکم اعدام سلمان رشدی - که توسط بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران صادر شده بود - فعالیت گسترده‌ای را علیه ایران آغاز کردند و برخی از کشورها، سفیران خود را از ایران فراخواندند.

در پاسخ به این حرکت‌های قلدرانه، مقام معظم رهبری نه‌تنها تسلیم فشارها نشدند؛ بلکه با قاطعیت فرمودند: سفیران فراخوانده شده راهی جز بازگشت ندارند!

گر چه در آن روز این قاطعیت برای عده‌ای غیر قابل هضم بود؛ اما مرور زمان، آینده‌نگری و حسن تدبیر رهبری را روشن کرد و جهان بر تصمیم قاطع و پیش‌بینی آیت‌الله خامنه‌ای آفرین گفت.

با گذشت زمان، همه سفیران به کشورمان بازگشتند و نه‌تنها حکم اعدام سلمان رشدی لغو نگردید، بلکه عزتی دیگر به عزت‌های مسلمین ایران افزوده شد.